

اهداف و کارکردهای کنسولگری‌های انگلیس در کرمان و سیستان (۱۳۳۳-۱۳۱۲هـ.ق)*

رضا صحت منش^۱ / محمد مهدی مرادی خلیج^۲

چکیده

منطقه جنوب شرقی ایران صحنه رقابت‌های روس و انگلیس در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. قصد روسیه تحت فشار گذاشتن بریتانیا با هدف نزدیک شدن به هند و قصد انگلیس به وجود آوردن منطقه حائل و سد دفاعی برای محافظت از هند بود. تأسیس کنسولگری‌های دولت‌های رقیب در مجاورت منطقه مورد نظر از جمله اقدامات رقابتی دو قدرت بود تا اهداف و مطامع دولت‌های متبوع خود را تامین نمایند. این پژوهش با روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی در پی پاسخ به این سؤال بود که اهداف و کارکردهای کنسولگری‌های انگلستان در کرمان و سیستان چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رویکرد انگلیس در جنوب شرق ایران رویکردی نظامی بود. در کرمان ۸۰ درصد و در سیستان ۸۵ درصد کنسول‌ها و نمایندگان کنسولی انگلیس از نظامیان بودند. در دوره فعالیت کنسولگری انگلیس در کرمان، تراز تجاری کرمان با هند و اروپا بر اساس اسناد کنسولی از ارقام بسیار پایین ۸۳/۶۰- درصد در سال ۱۹۰۷-۱۹۰۶ م. ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ق.، به بیش از ۵۳ درصد در سال ۱۹۱۳-۱۹۱۲ م. ۱۳۳۲-۱۳۳۱ ق. رسید. با تأسیس کنسولگری سیستان نیز جهشی ۸۹ درصدی در تجارت این منطقه با هند پدید آمد. واژگان کلیدی: ایران، کنسولگری، انگلیس، روسیه، کرمان، سیستان.

Objectives and Functions of the Britain Consulates In Kerman and Sistan (1894-1914)

Reza Sehhat Manesh³ / Mohammad Mehdi Moradi Khalaj⁴

Abstract

In the nineteenth and early twentieth centuries, south east of Iran was the place for British and Russian competition. The objective of Russia was to pressure Britain for advancing towards India. On the other hand, the objective of Britain was to create a buffer zone and defensive wall for protection of India. Adjacent establishments of British and Russian consulates in the region were some of the competitive elements, exercised by the both governments, facilitating their corresponding objectives and interests. Through utilization of descriptive- analytical method and library resources and documents, this investigation is administered. The main question is, "What were the purposes and functions of British consulate in Kerman and Sistan?" The findings suggest that the approach of British in south east of Iran was militaristic. The research shows that 80% of staff members of consulate representatives in Kerman and 85% of staff members of consulate representatives in Sistan acquired militaristic legal personalities. In the course of activities of the British consulate in Kerman, the trade balance between Kerman and India-Europe increased from 83 /60% in 1906- 1907 to 53% in 1912- 1913. By the establishment of the consulate in Sistan, the trade balance of the province with India increased to 89%.

Key words: Iran, Consulate, Britain, Russia, Kerman, Sistan.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه شیراز (نویسندهٔ مسئول) *تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۵/۱۳ تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۹/۲۵

۲. استادیار تاریخ دانشگاه شیراز.

3. PhD Student, Department of History, Shiraz University, E-mail: rsm.hist@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of History, Shiraz University, E-mail: mm_mkhalaj@yahoo.com

مقدمه

آغاز روابط گسترده ایران با دولت‌های اروپائی به دوره صفوی بازمی‌گردد که به دنبال تحولات جدید در اروپا و با رشد نظام بورژوازی سراسر جهان تبدیل به عرصه کشاکش‌های دول استعماری شد. این رقابت‌ها در این برهه‌ی زمانی بیشتر رقابتی بازرگانی برای کسب سود، افزایش سرمایه، و تامین مواد اولیه بود. رقابت این دولت‌های استعماری از اواخر قرن نوزدهم وارد مرحله جدیدی شد. بزرگترین ویژگی این دوره، دسته بندی‌های سیاسی و نظامی بود که در اروپا شکل گرفت و بر آن عصر امپریالیسم^۵ اطلاق شد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سرزمین ایران به صحنه رقابت انگلیس، روسیه و آلمان تبدیل شده بود. روس‌ها و انگلیسی‌ها در تقابل با هم در مناطق نفوذ خود در ایران به استحکام موقعیت خود می‌پرداختند و از طریق قراردادهای استعماری، کاپیتولاسیون، تجارت، نظامیان، و میسیون‌های مذهبی برای گستردن نفوذ خود بهره می‌بردند. کنسولگری‌ها نیز در این زمینه نقش مؤثری داشتند. پژوهش پیش رو با روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی و اسناد آرشیوی، از رهگذر بررسی کنسولگری‌های انگلیس در کرمان و سیستان به رقابت این دولت با دیگر دولت‌های امپریالیستی در مناطق جنوب شرقی ایران می‌پردازد و قصد یافتن پاسخ این پرسش را دارد که کنسولگری‌های انگلیس در کرمان و سیستان بر اساس چه اهدافی تشکیل شدند و دارای چه کارکردی بودند؟

از ادبیات تحقیق، رز گریوز^۶ در مقاله‌ای با عنوان «موقعیت سیستان در خط مشی بریتانیا در برابر مرزهای هندوستان»، از جایگاه سیستان و اهمیت آن سخن رانده است. نویسنده در این مقاله اطلاعات تازه‌ای با توجه به اسناد موجود در انگلستان ارائه داده است. اما این اثر تنها به اطلاعات

۵. امپریالیسم در پی ایجاد امپراتوری و حفظ آن است و بر کشاکش‌هایی که از دهه ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق. تا ۱۹۱۴م/۱۳۳۳ق. بر سیاست بین‌المللی حاکم بود عصر امپریالیسم اطلاق شد. امپریالیسم در اصل پدیده‌ای سیاسی مبتنی بر قدرت به شمار می‌آید و شامل گسترش قدرت حکومت‌های بزرگ اروپایی به سراسر کره زمین می‌شد. در اصطلاح سیاستمداران آسیا و آفریقا، امپریالیسم اغلب به معنای تسلط سیاسی است و مفهوم اقتصادی آن را در کلمه استعمار می‌جویند. امپریالیسم به امپریالیسم نظامی، اقتصادی، و فرهنگی تقسیم می‌شود و با مفهوم استعمار پیوندی نزدیک و جدا نشدنی دارد. امپریالیست‌ها ادعا می‌کردند که هدفشان گسترش تمدن و رساندن دست‌آوردهای آن به مردمان دارای نژاد و فرهنگ پست‌تر است. اما در بنیاد این احساس رسالت برای تمامی بشریت، ایمان به برتری نژادی، مادی و فرهنگی نژادهای سفید وجود داشت. بنگرید به: داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی، چاپ بیست و یکم (تهران: مروارید، ۱۳۹۱)*، ص ۳۸-۳۶؛ بهاء‌الدین بازارگاد، *مکتب‌های سیاسی*، ج ۳ (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۳)، ص ۲۸؛ احمد ساعی، *نظریه‌های امپریالیسم (تهران: قومس، ۱۳۷۶)*، ص ۸؛ اریک هابسبام، *صنعت و امپراتوری*، مترجم عبدالله کوثری (تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۷)، ص ۱۵۰-۱۴۹.

به دست آمده از کنسولگری توجه کرده است و به ساختار و کارکرد این سازمان دیپلماتیک توجهی نکرده است. نخستین آثاری که در زمینه کنسولگری به زبان فارسی پدید آمد آثار صفورا برومند است. این نویسنده در ابتدا دو مقاله با عنوان «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر»، و «کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس»، را در نشریه تاریخ روابط خارجی ایران منتشر کرد و در اثر بعدی خود با عنوان «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۲-۱۳۱۷ق. / ۱۹۱۴-۱۷۶۳م.» به صورت مبسوط به این موضوع پرداخت.^۷ پژوهش پیش رو به کنسولگری‌های انگلستان در محدوده جنوب شرق ایران خواهد پرداخت که تا کنون کار مستقلی در این زمینه انجام نشده است و از سوی دیگر این مراکز دیپلماتیک را از دریچه اهداف و کارکردهای امپریالیستی برای دولت بریتانیا می‌نگرد.

قرار گرفتن جنوب شرق ایران در محدوده دفاعی هند

مناطق جنوب شرقی ایران متشکل از سیستان، کرمان و بلوچستان، به جهت موقعیت سوق‌الجیشی و واقع شدن در نزدیکی مرزهای هندوستان، در سیاست انگلستان در قرن نوزدهم از جایگاه بسیار مهمی برخوردار شدند. سیستان در شمال و شمال غرب به خراسان، شرق به قندهار و زابلستان، جنوب و جنوب غرب به مکران و کرمان محدود می‌شد.^۸ این منطقه در دوره قاجار معمولاً ضمیمه ایالت خراسان و ولایتی تابع قائنات بود و نایب‌الحکومه‌ای از جانب امیر قائنات در نصرت‌آباد [مرکز سیستان] سکونت داشت.^۹ بلوچستان نیز از عهد قدیم معمولاً از ملحقات کرمان و شاید مهمترین ولایت از ایالت کرمان محسوب می‌شده است. بر اساس گزارش هیگ،^{۱۰} کنسول بریتانیا در سال ۱۹۰۹م/۱۳۲۷ق. ایالت کرمان و بلوچستان در بخش‌های شمالی به خراسان و دشت لوت، در شرق به بلوچستان تحت حمایت بریتانیا، در جنوب به خلیج عمان و منطقه کنسولی بندرعباس و در غرب به ایالت فارس محدود می‌شد.^{۱۱} این مناطق از ابتدای قرن نوزدهم، به علت ظهور ناپلئون، در مدار

۷. برای اطلاع از آثار صفورا برومند بنگرید به فهرست منابع.

8. John MacDonald Kinneir, *Geographical Memoir of the Persian Empire* (London: Cox and Baylis, 1813), p. 189.

۹. عبدالرضا سالار بهزادی، *بلوچستان در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری* (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴)، ص ۷؛ جرج ناتانیل کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ج ۴، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۲۷۴. 10. Haig

۱۱. مریم کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۵) کرمان ۱۹۱۲-۱۹۰۹م.»، *مجله اسناد بهارستان*، س ۲، ش ۵ (بهار ۱۳۹۱)،

سیاست استعماری انگلیس و کمپانی هند شرقی قرار گرفتند. ناپلئون که اساس هستی انگلستان را بر اداره مستعمرات آن می‌دانست، در صدد برآمد تا با تسلط بر مشرق زمین، شالودهٔ امپراتوری بریتانیا را متزلزل سازد و مصر و هندوستان را به حیطة تصرف خود درآورد.^{۱۲} انگلیسی‌ها هم برای مقابله با ناپلئون دست به کار شدند و با مسافرت‌های پاتینجر^{۱۳} و کریستی^{۱۴} در سال ۱۸۱۰م/۱۲۲۵ق. اولین اطلاعات معتبر خود را پیرامون کرمان، بلوچستان، و سیستان فراهم آوردند.^{۱۵}

با از بین رفتن خطر ناپلئون و پایان جنگ‌های ایران و روسیه، چرخشی در سیاست انگلیس نسبت به ایران به وجود آمد. انگلستان از این برهه در هندوستان، افغانستان، و آسیای مرکزی مشغول بسط نفوذ سیاسی و استعماری بود.^{۱۶} نتیجهٔ این رویکرد انگلستان، جدایی هرات از ایران و الحاق آن به افغانستان بود و انگلیسی‌ها دیوار دفاعی هند را به آسیای مرکزی تغییر دادند.^{۱۷}

رقابت‌های امپریالیستی و بازتاب آن در شرق و جنوب شرق ایران

از نیمه قرن نوزدهم رقابت دولت‌های متخاصم اروپایی در ایران، به خصوص بین انگلیس و روسیه، روندی سریع‌تر به خود گرفت و مناطق جنوب شرق ایران نیز در نزد ایشان اهمیتی راهبردی یافت. بخش مهمی از گسترش جوی‌های روسیه در آسیا بعد از دهه ۱۸۵۰م/۱۲۶۶ق. صورت گرفت که این دولت دوباره متوجه آسیا شده بود.^{۱۸} شکست روسیه در جنگ کریمه ۱۸۵۶م/۱۲۷۲ق. و انعقاد معاهده پاریس، چرخشی در سیاست توسعه طلبانهٔ روسیه از اروپا و عثمانی به سوی شرق، ترکستان، و آسیای مرکزی به وجود آورد. روس‌ها در سال‌های ۱۸۶۵م/۱۲۸۱ق. تا ۱۸۷۶م/۱۲۹۳ق. شهرهای بخارا، سمرقند، خوقند، و خیوه، و تقریباً سراسر ماوراءالنهر را تصرف کردند و در کنار سیحون و

۱۲. جورج لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ج ۲، ترجمه اسماعیل راثین (تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶)، ص ۲۰.

13. Pottinger

14. Christie

۱۵. رز گریوز، «موقعیت سیستان در خط مشی بریتانیا در برابر مرزهای هندوستان»، ترجمه معصومه ارباب، مجله تاریخ روابط خارجی، س دوم، ش ۵ و ۶ (زمستان ۱۳۷۹ و بهار ۱۳۸۰)، ص ۳۹؛ کزن، ج ۲، ص ۳۱۰.

۱۶. رز گریوز، «روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان - بریتانیا ۱۹۲۱-۱۷۹۸»، تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)، ج ۲، به سرپرستی پیتر آوری، ترجمه مرتضی ناقبفر (تهران: جامی، ۱۳۸۸)، ص ۳۷۳؛ محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۱ (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۱)، ص ۲۵۳.

۱۷. سالار بهزادی، ص ۷۲-۷۱.

۱۸. رابرت زُلول پالم، تاریخ جهان نو، ج ۲، چ ۴، ترجمه ابوالقاسم طاهری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۵۰.

در همسایگی ایران مستقر شدند.^{۱۹} روس‌ها با ساخت بنادر و بناهای نظامی نفوذ خود را در شرق خزر تثبیت کردند و نیروی نظامی خود را در غرب تا شرق خزر مستقر کردند.^{۲۰} با تصرف گئوگ‌تپه ۱۸۸۱م./۱۲۹۸ق. و مرو ۱۸۸۴م./۱۳۰۱ق.، کار توسعه‌طلبی آنان در ماوراءالنهر تکمیل شد و روسیه را در موقعیتی که از لحاظ سوق‌الجیشی به هندوستان مشرف باشد قرار داد.^{۲۱}

به دنبال این تحولات که افغانستان را در معرض تهدید روسیه قرار داد، انگلیس سد دفاعی هند را مجدداً تغییر داد و منطقه دفاعی هند به جنوب شرق ایران محدود شد. به نظر رسید که افغانستان به عنوان سد دفاعی برای هند دیگر چندان مورد اعتماد نیست. از سال ۱۸۷۹م./۱۲۹۶ق. لرد سالیسبوری^{۲۲} - وزیر خارجه انگلیس - سیاست تکیه بیشتر بر ایران به جای افغانستان به عنوان سنگر اصلی دفاع از هند را در پیش گرفت. حتی قرار بود به شاه اجازه داده شود تا هرات و آن سوی سیستان را تصرف کند که البته این طرح به مرحله اجرا در نیامد.^{۲۳} در ابتدای قرن بیستم سیاست‌مداران انگلیسی در اسناد و مکاتبات خود با یکدیگر نگرانی خود را از حضور احتمالی نظامی روسیه در ایران ابراز کردند و به دنبال راه حلی برای مواجهه با چنین خطری بودند. هاردینگ^{۲۴} وزیر مختار انگلیس در ایران در نامه‌ای از لندون^{۲۵} وزیر امور خارجه استفسار کرد که در صورت رخ دادن چنین رویدادی، انگلیس هم باید به بهانه حفظ نظم، بنادر جنوب ایران و ولایت سیستان را اشغال کند.^{۲۶}

در آغاز سده بیستم تجدید نظرهای گسترده‌ای در تدوین سیاست خارجی بریتانیا در حال انجام بود. انگلستان که در آسیای مرکزی، یعنی مناطقی که هند را از روسیه تزاری جدا می‌کرد و شامل مناطق تبت، ایران، و افغانستان می‌شد، با روسیه اختلاف داشت و از حضور روسیه در قسطنطنیه و مدیترانه وحشت داشت، همه اختلافات خود را با این دولت حل کرد.^{۲۷} در این دوره در انگلیس نگرانی شدیدی نسبت به آلمان به وجود آمده بود و جنگ روس و ژاپن به طور موقت تهدید روس‌ها

۱۹. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، چ ۸، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی (تهران: دیپای کتاب، ۱۳۸۹)، ص ۵۱۴-۵۱۳.
20. Sir V. Chirol, *The Middle Eastern Question or Some Political Problems of Indian Defense*, (London: J. Murray, 1903), p. 38-39.

۲۱. لنزوسکی، ص ۲۲.

22. Salisbury

۲۳. گریوز، «روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان - بریتانیا ۱۹۲۱-۱۷۹۸م.»، ص ۴۰۲-۴۰۱.

24. Hardinge

25. Lansdowne

۲۶. فریدون آدمیت، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران* (تهران: پیام، ۲۵۳۵)، ص ۱۸۱.

۲۷. اریک هابسبام، *عصر امپراتوری ۱۹۱۴-۱۸۷۵*، چ ۳ (اول ناشر)، ترجمه ناهید فروغان (تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۲)، ص ۴۳۲.

را برای منافع انگلیس بر طرف ساخت. در اوت ۱۹۰۷ م. / ۱۳۲۵ ق. روسیه و انگلستان بر سر ایران، افغانستان و تبت به توافق رسیدند.^{۲۸} بر اساس این قرارداد در ایران دو منطقه نفوذ به وجود آوردند که منطقه روس از قصر شیرین شروع شده پس از عبور از اصفهان، یزد، و خواف در منطقه‌ای که مرز ایران و افغانستان و روسیه یکدیگر را قطع می‌کند خاتمه می‌یافت، خط منطقه انگلیس‌ها از مرز افغانستان شروع شده پس از عبور از قازیک، بیرجند، و کرمان به بندرعباس منتهی می‌شد.^{۲۹} نکته مهم این جاست که در سیاست جدید بریتانیا، مناطق جنوب شرقی ایران در حوزه نفوذ انگلیس قرار گرفت و همان مناطقی را در بر گرفت که کنسولگری‌های کرمان و بلوچستان، سیستان، بیرجند، و بندرعباس در آن جا تأسیس شده بود.

رقابت روس و انگلیس در تأسیس کنسولگری‌های شرق و جنوب شرق ایران

روس‌ها بعد از معاهده ترکمانچای در جامه بازرگانی و تجاری در شرق ایران و ترکستان رخنه کردند.^{۳۰} مرزهای روس‌ها از بعد از معاهده ترکمانچای در غرب دریای خزر تقریباً تغییری نکرد و آن‌ها مرزهای خود را در شرق خزر گسترش دادند و سرزمین‌های زیادی را هم به دست آوردند؛ این قسمت‌ها که مرزهای شمالی و شمال شرقی ایران را تشکیل می‌داد تحت نفوذ روسیه درآمد. روس‌ها از سال ۱۸۳۸ م. / ۱۲۵۴ ق. جزایر آشوراده در دریای خزر را هم به صورت پایگاه دریایی خود درآورده بودند.^{۳۱} و بر اساس یکی از بندهای معاهده ترکمانچای، حق تأسیس کنسولگری‌ها و ایجاد نمایندگی بازرگانی در هر نقطه از ایران را به دست آورده بودند.^{۳۲} این موضوع در سال ۱۸۳۷ م. / ۱۲۵۳ ق. که مسئله هرات بین ایران و افغان‌ها مطرح شد، اهمیت یافت. زیرا چنان‌چه ایران موفق به تصرف هرات می‌شد، امکان داشت روس‌ها نمایندگانی در این شهر گمارده و به هند بسیار نزدیک شوند.^{۳۳} روس‌ها با به دست آوردن امتیاز تأسیس کنسولگری در هر نقطه از خاک ایران، به

۲۸. گریوز، «موقعیت سیستان در خط مشی بریتانیا در برابر مرزهای هندوستان»، ص ۵۵-۵۴.

۲۹. سایکس، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۰.

۳۰. بی‌یر رونوون، تاریخ روابط بین‌الملل در قرن نوزدهم، ج ۲، ترجمه قاسم صنعوی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۹.
31. Chirol, pp. 38-39.

۳۲. رضاقلی خان هدایت، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج ۹، بخش دوم، ج ۲، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵)، پی ۷۸۸۴؛ اعتمادالسلطنه محمد حسن خان صنیع‌الدوله، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۱۵۸۵-۱۵۸۴.

۳۳. پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه، ج ۱، ج ۳، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: موسسه انتشارات عطائی، ۱۳۷۳)، ص ۱۰۷.

تدریج کنسول و نمایندگان کنسولی در بنادر و شهرهای متعدد ایران گماشتند. ابتدا در رشت در عهد سلطنت محمدشاه و سپس در استرآباد، گز، مشهد سر و شاهرود... هر جا که نصب نماینده رسمی قرین صلاح نبود، نمایندگانی در لباس روحانی و معمولاً هم از میان ارامنه متولد روسیه و یا افرادی که در کار تجارت بودند، استخدام نمودند تا اهداف آن دولت را تأمین کنند.^{۳۴} روس‌ها پس از تأسیس کنسولگری کل خود به سال ۱۸۹۷م./۱۳۱۴ق. در اصفهان در صدد برآمدند تا در مناطقی که از دیرباز در حوزه نفوذ انگلیس قرار داشتند نیز کنسولگری برقرار نمایند. لذا در سال ۱۸۹۹م./۱۳۱۶ق. یک کنسولگری در بصره و در ۱۹۰۱م./۱۳۱۸ق. یک کنسولگری در بوشهر با اسکورتی از قزاقان روسی را افتتاح کرد.^{۳۵} چند سال بعد خواهان تأسیس کنسولگری در بندرعباس شد.^{۳۶} مناطقی که از دیرباز در حوزه نفوذ انگلیس قرار داشتند و آن‌ها حضور روس‌ها را در این مناطق بر نمی‌تافتند.

انگلستان نیز مانند روسیه از امتیاز کاپیتولاسیون برخوردار شد که به موجب آن قادر بود در هر نقطه که می‌خواست کنسولگری و نمایندگی تجاری دایر کند.^{۳۷} البته نخستین نمایندگی‌های محلی و کنسولی انگلیس در ایران، در مناطق جنوبی ایران تأسیس شد. انگلیس از ۱۷۶۲م./۱۱۷۵ق. در بوشهر نماینده مقیم داشت و در ۱۸۳۰م./۱۲۴۵ق. برای بندر لنگه نیز نماینده محلی تعیین کرد. تا قبل از در گرفتن رقابت‌های شدید در اواخر قرن نوزدهم، تنها در شهرهای تبریز ۱۸۳۷م./۱۲۵۲ق.، تهران ۱۸۴۱م./۱۲۵۶ق.، و رشت ۱۸۵۸م./۱۲۷۴ق. نماینده کنسولی داشت. البته در شیراز هم از ۱۸۰۸م./۱۲۲۲ق. نماینده محلی داشتند، اما این نمایندگان تا سال ۱۹۰۳م./۱۳۲۰ق. که برای شیراز نماینده کنسولی تعیین شد تنها به دو نفر محدود بود. روند تأسیس کنسولگری‌های انگلیس در مقطع زمانی اواخر قرن نوزدهم میلادی در شهرهای کوچک و بزرگ ایران شتاب گرفت. بین سال‌های ۱۸۷۸م./۱۲۹۵ق. تا ۱۹۰۹م./۱۳۲۷ق. کنسولگری‌های انگلیس در شهرهای بوشهر، استرآباد، محمره (خرمشهر)، کرمانشاه، مشهد، اصفهان، یزد، کرمان، سیستان، بندرعباس، شیراز، اهواز، اراک، و بیرجند تأسیس شد و انگلستان در این شهرها کنسول یا نمایندگان کنسولی تعیین کرد. نخستین نمایندگی انگلیس در جنوب شرق ایران در گوآتر برقرار شد که بین سال‌های ۱۸۷۳-۱۸۶۳م./۱۲۸۹-۱۲۷۹ق. سه نماینده از بریتانیا در آن جا حضور داشتند، می‌توان حدس زد که

۳۴. کرزن، ج ۲، ص ۷۰۳-۷۰۲.

۳۵. گریوز، «روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان - بریتانیا ۱۹۲۱-۱۷۹۸م.»، ص ۴۱۱.

۳۶. کاظم زاده، ص ۴۴۵.

۳۷. یرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان کاظم فیروزمند و حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی (تهران: نشر

مرکز، ۱۳۷۷)، ص ۴۷.

این نمایندگان برای تسهیل در احداث خطوط تلگراف و کمیسیون مرزی در آن جا حضور داشتند. کنسولگری کرمان در ۱۸۹۴ م/۱۳۱۱ ق. و کنسولگری سیستان در ۱۸۹۸ م/۱۳۱۵ ق. تأسیس شد. در سال ۱۹۰۴ م/۱۳۲۱ ق. نماینده کنسولی بم، در سال ۱۹۰۵ م/۱۳۲۲ ق. در ملک سیاه و از ۱۹۰۹ م/۱۳۲۷ ق. در بیرجند نایب کنسول تعیین شد. علیرغم این که در چند منطقه جنوب شرق ایران کنسولگری تأسیس شد، اما این کنسولگری‌ها یا نظیر گواتر، ملک سیاه، و بم برای مدت کوتاهی فعالیت کردند، یا نظیر بیرجند ۱۹۰۹ م/۱۳۲۷ ق. و زاهدان ۱۹۲۳ م/۱۳۴۱ ق. فعالیت خود را دیر شروع کردند. از این رو مهم‌ترین کنسولگری‌های جنوب شرق ایران کنسولگری‌های کرمان و سیستان بودند که نسبت به دیگر کنسولگری‌ها زودتر تأسیس شده بودند و دوام بیشتری یافتند.^{۳۸} نخستین رویارویی روس و انگلیس در تأسیس نمایندگی‌ها و کنسولگری‌ها در مشهد صورت گرفت. در ابتدا روسیه در اواخر سال ۱۸۸۸ م/۱۳۰۵ ق. برای تأسیس کنسولگری در مشهد پیشقدم شد و ولاسف^{۳۹} کنسول روسیه در رشت به سمت سرکنسول تزار در مشهد تعیین شد و در ۱۸۸۹ م/۱۳۰۶ ق. در مشهد مستقر گردید. انگلیسی‌ها هم بلافاصله وارد عمل شدند. ژنرال مک‌لین^{۴۰} در همان اوان سرکنسول بریتانیا در مشهد تعیین شد و قدری هم زودتر از همکار روسی خود به محل ماموریت وارد و رئیس هیأت سیاسی در ایالت خراسان گردید.^{۴۱}

سایکس و تاسیس کنسولگری کرمان و سیستان

دو تن از انگلیسی‌ها که در برهه اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم خدمات شایانی به انگلیس کردند سایکس^{۴۲} و کرزن^{۴۳} بودند. ابتدا کرزن به ایران مسافرت کرد و برای عقب نماندن از سیاست امپریالیستی در ایران توصیه‌هایی چند نمود که از آن جمله است:

۱. نمایندگی کنسولی برای کرمان و یزد انتخاب شود.
۲. جاده اصلی خلیج فارس به مشهد که کرمان را از طریق راهور(راور)، نهی بند(نای‌بند)، و تون به مشهد متصل می‌کرد تعمیر و اصلاح شود.

۳۸. لوئی رابینو، دیپلمات‌ها و کنسول‌های انگلیس در ایران، ترجمه غلامحسین میرزا صالح (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)،

ص ۱۴۹-۱۳۵.

39. Vlasov

40. Maclean

۴۱. کرزن، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۶.

42. Sir Percy Sykes

43. Curzon

۳. برای ایجاد جاده تازه از افغانستان صرف نظر شود و جاده تازه‌ای از کویته از طریق سیستان تا بیرجند کشیده شود.^{۴۴}

به دنبال او سایکس مسافرت‌هایی به ایران کرد و با شناختی که از مناطق کرمان، بلوچستان، و سیستان به دست آورد و با برآوردی کاملاً سیاسی به تأسیس کنسولگری کرمان و سیستان مامور شد. سایکس در سال ۱۸۹۴م./۱۳۱۱ق. کنسولگری کرمان و بلوچستان و در ۱۸۹۸م./۱۳۱۵ق. کنسولگری سیستان را تأسیس نمود.^{۴۵} بعد از این مأموریت‌ها او در سال ۱۹۰۶م./۱۳۲۴ق. به سمت سرکنسول بریتانیا در مشهد تعیین شد.^{۴۶} از نظر انگلیسی‌ها مقابله با گسترش جویی‌های روسیه بسیار حیاتی بود. روس‌ها از ۱۸۹۱م./۱۳۰۸ق. در سیستان عاملی دائمی داشتند که سعی در گسترش نفوذ روسیه در میان مردم داشت. در حالی که هیچ تبعه روسی در آن حوالی وجود نداشت و هیچ‌گونه منافع تجارتي در سیستان نداشتند، در سال ۱۸۹۸م./۱۳۱۶ق. کنسولی برای سیستان تعیین کردند. در همین زمان کنسول انگلیس در کرمان بی‌درنگ به وزارت امور خارجه انگلیس اصرار کرد که برای سیستان کنسول تعیین کنند. به زودی خود سایکس به سیستان منتقل شد و کنسولگری انگلیس را تأسیس نمود.^{۴۷} اگر چه روس‌ها در سیستان برای تأسیس کنسولگری پیشقدم شدند، اما کنسولگری روس در کرمان در سال ۱۹۰۱م./۱۳۱۹ق. چند سال بعد از گشایش کنسولگری انگلیس، در دوره حکومت علاءالملک ۱۳۲۰-۱۳۱۹ق./۱۹۰۲-۱۹۰۱م. تأسیس شد.^{۴۸}

سایکس به عنوان یک نظامی انگلیسی مجری سیاست‌های دولت متبوع خود بود و در این زمینه آموزش‌های لازم را قبل از حرکت به سوی ایران دیده بود. او قبل از این که در سال ۱۸۹۲م./۱۳۰۹ق. مأمور حرکت به ایران شود، چندماهه‌ای را در اروپای شرقی به قصد تحصیل اطلاعات لازم بسر برد؛ اطلاعاتی که به گفته خود او راجع به مسائلی بود که در ظرف سی سال بعد حل و تصفیه آن ضرورت پیدا می‌کرد.^{۴۹} او مأمور تأسیس کنسولگری کرمان و بلوچستان، سیستان، تشکیل پلیس جنوب و نیز مأمور در کمیسیون تعیین مرز ایران و هند در بلوچستان شد

۴۴. کرزن، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۲.

۴۵. سرپرسی سایکس، *سفرنامه سایکس*، ج ۲، ترجمه حسین سعادت نوری (تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶)، ص ۲۰۷ و ۳۷۶.

۴۶. رابینو، ص ۱۴۸.

۴۷. کاظم زاده، ص ۳۹۲-۳۹۱-۳۸۸.

۴۸. محمود همت کرمانی، *تاریخ مفصل کرمان*، چاپ هفتم (تهران: انتشارات گلی، ۱۳۸۹)، ص ۳۶۰؛ احمد علی خان وزیر،

تاریخ کرمان (سالاریه)، ج ۲، ج ۳، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۴)، ص ۸۷۸.

۴۹. سایکس، ص ۴.

و بدین ترتیب در شمار کارشناسان جنوب شرق ایران درآمد. سایکس و کرزن با نوشتن آثار خود نیز در خدمت برنامه دولت انگلیس بودند. سایکس با سفرنامه خود و بعد با نوشتن *تاریخ ایران* خلأ اطلاعات انگلیسی‌ها را نسبت به ایران پر کرد. زیرا از زمان ملکم تاریخ جامعی که حاوی نتایج و تحقیقات جدید باشد درباره ایران نوشته نشده بود.^{۵۰} هم‌چنین سفرنامه سایکس مکمل کتاب *ایران و قضیه ایران* اثر کرزن است. سایکس سعی کرد در مورد مناطقی که کرزن دیده و از آن‌ها بحث کافی کرده بود کمتر سخن براند، و بیشتر به مناطقی چون جنوب شرق ایران توجه کرد که کرزن از آن‌ها دیدن نکرده بود.^{۵۱}

مسئولیت نظامیان انگلیسی در کنسولگری‌های جنوب و شرق ایران

براساس کتاب لویی رابینو^{۵۲}، دیپلمات‌ها و کنسول‌های انگلیس در ایران، در مناطق جنوبی و شرقی ایران بیشترین نظامیان بریتانیایی بودند و رویکرد انگلیس در شرق و جنوب شرق ایران رویکردی نظامی بوده است. در زمینه نظامی، سرپرسی سایکس پایه‌گذار دو کنسولگری انگلیس در کرمان و سیستان، خود از نظامیان انگلیس بود. تعداد کل کنسول‌ها و نمایندگان کنسولی انگلیس در ایران از هنگام تأسیس این سازمان‌ها تا پایان فعالیت آن‌ها ۳۴۲ نفر بود که در ۳۳ منطقه و شهر در ایران حضور داشتند. از این تعداد ۲۶۰ نفر در مناطقی حضور داشتند که در آن جا کنسول‌های نظامی هم دارای مسئولیت شدند (نمودار شماره ۱). در این مناطق ۴۲/۳۹ درصد کنسول‌ها و نمایندگان یعنی ۱۴۵ نفر نظامیان انگلیس بودند که ۱۱۹ نفر و به عبارتی ۸۲/۶ درصد نظامیان در جنوب و جنوب شرق حضور داشتند. از این یکصد و نوزده نفر هم ۶۸ نفر و به عبارتی بیش از ۵۷ درصد در شرق و جنوب شرق مسئولیت یافتند. بیشترین تعداد نظامیان در شهرها و مناطق مختلف بدین ترتیب است: بوشهر ۳۱ نفر، سیستان ۱۷ نفر، کرمان ۱۶ نفر، زاهدان ۱۴ نفر، مشهد ۱۴ نفر، محمره ۱۰ نفر، بندرعباس ۹ نفر، اهواز ۸ نفر (نمودار شماره ۲). در آمار کلی هم مشاهده شد که ۶۱ نفر یعنی ۴۳ درصد نظامیان تنها در چهار منطقه کرمان، سیستان، مشهد، و زاهدان مصدر کار بودند. نسبت به تعداد کل نمایندگان و کنسول‌ها، این چهار منطقه بیشترین نظامی را داشتند. نظامیان در کرمان ۸۰ درصد، مشهد ۸۲ درصد، سیستان ۸۵ درصد و در زاهدان ۱۰۰ درصد کنسول‌ها و نمایندگان

۵۰. یاپ، «دو مورخ انگلیسی تاریخ‌نگاری ایران»، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ج ۲، ترجمه و تألیف یعقوب آژند (تهران: نشر گستره،

۱۳۸۸)، ص ۲۳۳.

۵۱. سایکس، ص ۲.

کنسولی این مناطق را تشکیل داده بودند (نمودار شماره ۳). نظامیان انگلیس با درجات مختلف به کنسولی یا نمایندگی مأمور می‌شدند که بیشترین فراوانی آن‌ها بر حسب درجه به ترتیب سرهنگ، سرگرد، و سروان بود (نمودار شماره ۴). اگرچه تعداد کنسول‌های نظامی در بوشهر از جاهای دیگر بیشتر بود، باید توجه داشت که بوشهر از ۱۷۶۲ م. / ۱۱۷۵ ق. تا ۱۹۴۶ م. / ۱۳۶۵ ق. به مدت ۱۸۴ سال دارای نماینده و کنسول بود و از ۱۸۱۱ م. / ۱۲۲۶ ق یعنی ۸۳ قبل از کرمان نظامیان در آن جا مستقر شدند و این در حالی است که کنسولگری کرمان بین سال‌های ۱۹۴۵-۱۸۹۴ م. / ۱۳۶۴-۱۳۱۲ ق، سیستان ۱۹۴۴-۱۸۹۸ م. / ۱۳۶۳-۱۳۱۶ ق، مشهد ۱۹۴۵-۱۸۸۹ م. / ۱۳۶۴-۱۳۰۷ ق، و زاهدان ۱۹۴۵-۱۹۲۳ م. / ۱۳۶۴-۱۳۴۱ ق. دایر بودند. ضمن این که در دوره مورد نظر بین سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۹۴ م. / ۱۳۳۲-۱۳۱۲ ق، کرمان و سیستان از معدود مناطقی در ایران بودند که ۱۰۰ درصد کنسول‌ها یا نمایندگان آن‌ها، از میان نظامیان انگلیس انتخاب شدند. تنها منطقه‌ای که خارج از حوزه جنوب شرق ایران چنین شرایطی داشت، اهواز بود که در جنوب غرب ایران واقع است. در این آمار تنها نمایندگان و مأموران انگلیسی در کنسولگری آمده است و آمار سفرا و وزیر مختاران به حساب نیامده است.^{۵۳}



انگلیسی‌ها کارکنان کنسولگری‌های شرق و جنوب ایران را به جای وزارت امور خارجه از اداره سیاسی ارتش انتخاب می‌کردند. دلیل آن هم این بود که پرسنل نظامی ارتش با مسائل این

مناطق که در مجاورت هندوستان بود آشنایی بیشتری داشتند و در این زمینه آموزش‌های لازم را برای رهبری سیاست انگلیس و برخورد با مردم منطقه دیده بودند. بسیاری از کنسول‌های انگلیس در سیستان از جمله کاپیتان ترنچ،^{۵۴} ماژور بن،^{۵۵} ماژور فیلوت،^{۵۶} و کاپیتان وایت،^{۵۷} از پرسنل اداره سیاسی ارتش انگلیس بودند که در این منطقه مأمور شدند.^{۵۸}

یکی از علل اصلی رویکرد نظامی انگلیس در این مناطق باز شدن پای دولت‌های رقیب انگلیس در این مناطق است. گسترش رقابت‌های اروپایی به ایران و شرق این سرزمین موجب شد که هر کدام از دولت‌های رقیب در صدد شناخت بیشتر و بهتر از مناطق مختلف و برآورد ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران برآیند. انگلیس برای مواجه شدن با دولت‌های رقیب در ایران و به خصوص جنوب شرقی ایران و نیز ساختن بنای محکم سد دفاعی هندوستان در این منطقه حضوری نظامی داشت. شواهدی از تحرکات روس‌ها در این مناطق دیده شده بود. در سال ۱۳۱۲ ق. / ۱۸۹۴ م.، روس‌ها برای اطلاع از وضع تجارت ایران و انگلیس سیاحانی را به مناطق جنوبی ایران از جمله اصفهان، فارس، بندرعباس، کرمان، و یزد گسیل کردند. یکی از این اشخاص تومانسکی^{۵۹} بود که در سال ۱۳۱۲ ق. / ۱۸۹۴ م. در شیراز بود و با سران سیاسی و نظامی این ایالت ملاقات و دیدار کرد.^{۶۰} به نظر می‌رسد باز دیدهای او برای کسب اطلاعات سیاسی و نظامی بود تا تجاری و کسب آگاهی از تجارت انگلستان. وقتی سایکس در تابستان ۱۹۰۰ م. / ۱۳۱۷ ق. به چاه بهار در بلوچستان رسید، فیلون از اعضای هیئت زمین پیمایان روس در آن جا وفات کرده و دفن شده بود.^{۶۱} در سیستان هم روس‌ها به سیر و سفر می‌پرداختند و به عنوان هدیه در میان عشایر تفنگ تقسیم می‌کردند. در ۱۳۱۶ ق. / ۱۸۹۸ م. یک نقشه بردار روسی با سه تن از دستیارانش به صورت اتفاقی! از مرز ایران و بلوچستان نزدیک میرجاوه سر در آورده بودند.^{۶۲} در سال ۱۳۱۸ ق. هم سه نفر از اتباع روسیه

54. Captain Trench

55. Major Benn

56. Major Phillott

57. Captail White

58. Arnold Henry Savage Landor, *Across Coveted Lands or a Journey from Flushing to Calcutta Overland*, Vol. 2 (New York: Charles Scribner Sons, 1903), pp.168-169.

59. Tumansky

۶۰ علی اکبر سعیدی سیرجانی (به کوشش)، وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق. (تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۳)، ص ۴۶۲.

۶۱ سایکس، ص ۳۲۹.

۶۲ کاظم‌زاده، ص ۳۹۲-۳۹۱.

مناطق جنوب شرقی ایران از جمله سراوان، چابهار، فهرج، و بمپور را سیاحت کردند.^{۶۳} با تأسیس کنسولگری روسیه هم مأمورین این دولت به دنبال شناخت همه جانبه از کرمان بودند و سعی در جمع‌آوری اطلاعات مبسوط از حوزه فعالیت خود داشتند.^{۶۴}

از سوی اتباع کشورهای متحد (اتحاد مثلث) هم تحرکاتی در این مناطق مشاهده می‌شود. سایکس در طی مسافرت کرمان به یکی از اتباع آلمان در نمایشی برخورد کرد. از نظر او این شخص اولین آلمانی بود که در شرق ایران تا این حدود به سیر و سیاحت پرداخته بود.^{۶۵} در زمان حضور او در کرمان راکوفسکی^{۶۶} سیاح اتریشی به کرمان آمد.^{۶۷} بر اساس اسناد رسمی وزارت امور خارجه در سال ۱۳۱۳ق. / ۱۸۹۳م. سفارت آلمان برای مکنیس^{۶۸} یکی از اتباع خود درخواست حکم رسمی برای سیاحت در اصفهان، یزد، کرمان، شیراز، و بوشهر کرده بود و این نشان‌دهنده اهمیت یافتن این مناطق در دیپلماسی آلمان در ایران بود.^{۶۹} سایکس در کرمان به دو نفر از اتباع آلمان که بوسیله گدایی امرار معاش می‌کردند، برخورد کرد و علیرغم کمک به آن‌ها از اهداف خود و آن‌ها هم پرده برداشت:

آن دونفر مدتی را در کرمان توقف نمودند. این نکته را فراموش نباید کرد که اینگونه اشخاص در مشرق زمین به این ترتیب نمی‌توانند کار مفیدی انجام دهند و برای اطلاعات عاری از حقیقتی هم که بانوسيله بدست می‌آید هیچگونه ارزش و اعتباری نمی‌توان قائل شد. مشرق‌زمینی‌ها با روپائی‌هائی که بدون مستخدم و دم و دستگاه سیاحت و مسافرت می‌کنند و در هر خرابه‌ای بیتوته می‌نمایند اهمیتی نمی‌دهند و به آن‌ها با نظر تحقیر می‌نگرند.^{۷۰}

علاوه بر این که رقبای انگلستان در این مناطق تحرکاتی صورت می‌دادند، انگلیسی‌ها در این مناطق از طریق گزارش‌های کنسول‌ها برآورد مناسبی هم از تعداد نفرات و قدرت نظامی ایران و مناطق آن به دست آوردند. شواهد تأیید می‌کنند که ایران از نظر نظامی کاملاً فروپاشیده بود و توانایی اعمال حاکمیت در این مناطق را نداشت. در سال ۱۹۰۰م. / ۱۲۷۹ش. ارتش ایران غیر از

۶۳ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۴، پوشه ۶ سند ۴، ۱۳۱۸ق.

۶۴ همان، پوشه ۱۹، سند ۳۷، ۱۳۱۹ق.

۶۵. سایکس، ص ۲۵۸.

66. Rakovsky

۶۷ سایکس، ص ۲۳۸.

68. McNeice

۶۹ اسناد مکمل وزارت امور خارجه، کارتن ۳۴، سند ۳۰۲، ۱۳۱۳ق.

۷۰. سایکس، ص ۲۴۸.

بریگاد ۱۰ هزار نفری قزاق که زیر نظر روس‌ها تمرین می‌کرد و کارایی نسبتاً خوبی داشت، به ۲ هزار نفر محافظ شخصی دولتیان محدود می‌شد. قاجارها بر جامعه ضعیف و چند پاره‌ای فرمان می‌راندند که از اختلافات موجود در آن برای تداوم حکومت خود بهره می‌گرفتند و با این سیاست به ارتش دائمی و دیوانسالاری مجهز و متمرکزی نیاز نداشتند.^{۷۱} سایکس اوضاع نظامی کرمان را نیز بررسی کرد و تعداد نظامیان کرمان را برشمرد. او توانایی بدنی نظامیان ایرانی در کرمان را ستایش، اما از تجهیزات آن‌ها انتقاد کرده و نوشت: توپ‌های کهنه و مستعمل و سلاح ناکافی در اختیار داشتند به گونه‌ای که اسلحه اشراک به مراتب از آن‌ها بهتر و کارآمدتر بود.^{۷۲} در خطوط بندرعباس هم، نظامیان و سربازان با لباس نامناسب و تجهیزات ناکارآمد به خدمت مشغول بودند. آن‌ها نه تنها توان حفاظت از منافع دولتی را نداشتند، بلکه از برقراری نظم و مبارزه با اشراک داخلی هم عاجز بودند.^{۷۳} در بوم و بلوچستان در دهه آخر قرن سیزدهم تقریباً نیروی نظامی وجود نداشت و همان تعداد اندک هم با سر و وضع ناآراسته مجبور به عملگی و دزدی بودند و امکانات دفاعی مناسبی هم نداشتند.^{۷۴} بعدها ایران در هنگام بروز جنگ بین‌المللی اول در فاز دفاعی کاملاً ناتوان و فاقد روحیه نظامی بود و قادر به حفظ بی‌طرفی و دفاع از خاک خود نبود.^{۷۵} شاید به علت همین شرایط نامساعد نظامی بود که در سال ۱۹۱۴ م. / ۱۳۳۳ ق. نیرویی سوئسی به کرمان مأمور شد تا جهت محافظت از جاده کرمان - بندرعباس، نیرویی را تربیت و سازمان‌دهی کند.^{۷۶}

البته یک سبب دیگر هم برای رویکرد نظامی انگلیس در این منطقه از ایران وجود داشت. بر اساس گزارش کنل لیوت سایکس، کنسول بریتانیا در کرمان، ظرف یک دهه بعد از تأسیس کنسولگری، تعداد خارجی‌ان در کرمان افزایش یافته و این شهر در زمره مراکز تحت نفوذ انگلیس در آمده بود.^{۷۷} حتی در مناطق دورافتاده بسیار اتفاق افتاد که آن‌ها در معرض هجوم قرار گرفتند و

۷۱. جان فوران، مقاومت شکننده، چ ۶ ترجمه احمد تدین (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵)، ص ۲۱۷-۲۱۶؛

آبراهامیان، ص ۳۸.

۷۲. سایکس، ص ۶۲.

۷۳. میرزا رضا مهندس، سفرنامه، به کوشش مجید نیک‌پور (کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۶)، ۱۳۵-۱۳۴.

۷۴. حمیدسیاح، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، چ ۲، تصحیح سیف‌الله گلکار (تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۶)، ص ۱۵۹.

۷۵. سایکس، چ ۲، ص ۶۱۴.

۷۶. مریم کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۷) کرمان ۱۹۱۴-۱۹۱۳ م.»، مجله اسناد بهارستان، دوره جدید، ش دوم (تابستان

۱۳۹۲)، ص ۱۱۶.

۷۷. مریم کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰۴-۱۹۰۲ م.»، مجله اسناد بهارستان، ش اول، ش دوم (تابستان ۱۳۹۰)،

ص ۳۴۴.

دفاع از آن‌ها را دولت انگلیس وظیفه خود می‌دید. در زمان خود سایکس، در مناطق جنوبی کرمان و متصل به بلوچستان، اشرار در مواقعی به پادگان‌های مشترک ایران و بریتانیا حمله کرده و آن‌ها را متفرق می‌ساختند.^{۷۸}

کنسولگری و تجارت

یکی از علل اهمیت مناطق جنوب شرقی اهمیت تجاری آن‌ها بوده که در بسیاری از مواقع تحت تاثیر رقابت‌های سیاسی قرار داشته است. در این زمینه روسیه پیوند بیشتری برای تجارت و سیاست قائل بود و یکی از اصول اولیه پذیرفته شده توسط روسیه همانندی مطلق تجارت و سیاست بود.^{۷۹} در زمینه تجارت، انگلیسی‌ها نگران موقعیت ممتاز تجاری روسیه در خراسان بودند. کرزن توصیه کرد که انگلستان برای پیشرفت تجارت، توجه خود را به مناطق جنوبی‌تر تجارت هند و انگلستان معطوف سازد و امنیت راه‌های مرتبط با خلیج فارس را که وضع ناهنجاری داشت تامین کند. کرزن پیشنهاد تأسیس کنسولگری‌های بندرعباس، کرمان، و یزد را برای فراهم شدن بسط تجارت با هند مطرح کرد.^{۸۰} کرزن زمانی که به عنوان نایب‌السلطنه هندوستان فعالیت می‌کرد در جنوب شرق ایران کنسولگری‌های دیگری تأسیس کرد و با فرستادن میسیون^{۸۱} بازرگانی خواستار افزایش نفوذ حکومت هند و بازگشت حیثیت و اعتبار بریتانیا در ایران شد.^{۸۲} یکی از این هیئت‌ها در سال ۱۹۰۴م. / ۱۳۲۲ق. از طریق بندرعباس وارد ایران شد. مهم‌ترین اهداف هیئت مذکور عبارت بود از تأثیر تعرفه جدید گمرکی بر تجارت بریتانیا، بررسی مراکز تجاری جنوب شرق ایران، تهیه گزارش از وضعیت وسایل ارتباطی و تلگراف، بررسی وضعیت معادن، تحقیق در مورد علل احتمالی رکود در تولید چای و رونق تولید و تجارت این کالا، و پیشنهادهای مفیدی که این هیئت می‌توانست ارائه کند.^{۸۳}

تمام دستورالعمل راجع به تحقیق و تجارت بر عهده کنسول‌ها بود و افراد میسیون در این زمینه تابع کنسول‌ها بودند. کنسول‌ها و میسیون تجاری تدارکاتی جدای از یکدیگر داشتند و برای دادن

۷۸. سایکس، ص ۳۲۵.

۷۹. گریوز، «روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان - بریتانیا ۱۹۲۱-۱۷۹۸م.»، ص ۴۱۸.

۸۰. کرزن، ج ۲، ص ۶۷۸.

81. Mission

۸۲. سایکس، ج ۲، ص ۵۴۵.

۸۳. مریم کمالی «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴»، مجله اسناد بهارستان، س اول، ش سوم (پائیز ۱۳۹۰)،

وزن و اعتبار به انگلیسی‌ها اردوی متحرکی تشکیل داده بودند و برای افزایش گرایش به بریتانیا هدایایی نظیر عکس، آلبوم، عصا، ساعت نقره و طلا و غیره به عنوان یادگار می‌دادند. مهم‌ترین کالاهای تجاری که با خود آورده بودند و برای آن تبلیغ کردند عبارت بود از انواع چای هندی و منسوجات هندی و انگلیسی. در عوض نمونه‌هایی از پسته، بادام، کنیرا، و پنبه با خود به هندوستان بردند.^{۸۴} همین کالاها در سنوات آینده در شمار مهمترین کالاهای وارداتی و صادراتی از هند و بریتانیا به کرمان و بالعکس بودند.

رقابت دولت‌های اروپایی در زمینه تجارت هم به ایالات جنوبی و شرقی کشیده شده بود. در ابتدا انگلیسی‌ها در زمینه تجارت نسبت به سایر رقبا پیشدستی کردند. در سال ۱۸۷۶م./۱۲۹۳ق. در دوره وکیل‌الملک دوم حاکم کرمان ۱۲۹۵-۱۲۸۵ق./۱۸۷۸-۱۸۶۸م. و بعد از آن در سال ۱۸۷۹م./۱۲۹۶ق. هندی‌ها به عنوان تبعه انگلیس در کرمان کانون عظیم و رو به رشدی داشتند و با خیالی آسوده در کار تجارت موفق بودند. تمام تجارت وارداتی از ساحل خلیج فارس تا کرمان در دست آن‌ها بود. اقامت آن‌ها در کرمان چنان طولانی شده بود که خلق و خوی ایرانی هم پیدا کرده بودند.^{۸۵} براساس نوشته براون،^{۸۶} در ابتدا انگلیسی‌ها در زمینه تجارت نسبت به سایر رقبا پیشدستی کردند و تجار هندی در کرمان و مناطق مختلف این ایالت از جمله در رفسنجان مشغول تجارت شدند.^{۸۷} اما یک دهه بعد از براون که سایکس به رفسنجان رفت، نوشت که تمام محصول پنبه این ناحیه را که قبلاً به هندوستان صادر می‌شد «مثقال به مثقال آن را به روسیه می‌برند» و به همین علت تجار هند از رفسنجان کوچ کردند و تجارت این کالا به دست زرتشتی‌ها و نمایندگان تجارتخانه تومانیاس روسی افتاد.^{۸۸} هندی‌ها به ناچار در کرمان ساکن شدند و تعداد آن‌ها رو به افزایش گذاشت و تجارت کرمان با هند بریتانیا رو به ترقی گذاشت.^{۸۹} در ابتدای قرن بیستم و در سال ۱۹۰۱م./۱۳۱۹ق هندی‌هایی که در کرمان به کار تجارت مشغول بودند به چهل

۸۴. میرزا رضا مهندس، ص ۱۳۵-۱۲۹.

۸۵. تلگرافچی فرنگی، «سفرنامه تلگرافچی فرنگی»، معرف ایرج افشار، مجله فرهنگ ایران زمین. ش ۱۹ (۱۳۵۲)، ص ۲۰۶؛ Ernest Ayscoghe Floyer, *Unexplored Baluchistan, Mekran, Bashkurd, Persia, Kurdistan, and Turkey* (London: Griffith & Farran, 1882), pp. 329-330.
86. Browne

۸۷. ادوارد گرانویل براون، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴)، ص ۴۴۱-

۴۳۹.

۸۸. سایکس، ص ۲۱۴.

۸۹. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰۴-۱۹۰۲م»، ص ۳۳۷.

نفر بالغ می‌شدند.^{۹۰} گزارش‌های سالیانه کنسولگری کرمان حاکی از این امیدواری است که با استقرار نمایندگی بریتانیا در بم، تجار و بازرگانان انگلیسی و هندی بتوانند نمایندگی این مرکز را به دست آورند و همین گزارش می‌افزاید کرمان ظرفیت زیادی برای حضور تاجران هندی - انگلیسی دارد.^{۹۱}

انگلیسی‌ها با شناخت از کرمان، بر اساس اسناد کنسولی و دیپلماتیک به دنبال راهی بودند تا زمینه تجارت گسترده انگلیس و کرمان را فراهم آورند. در کاروانسرای تجاری هندی‌ها در کرمان در ابتدای قرن بیستم و در سال ۱۳۱۹/م. ۱۹۰۱. کالاهایی از جمله چراغ نفتی، کارد، ظروف شیشه‌ای، کالاهای پنبه‌ای، نیل، چای، شکر، و پارچه‌های نازک ارزان به چشم می‌خورد. علاوه بر آن کالاهایی از آلمان و اتریش و مصنوعات پشمی انگلیس نیز به کرمان وارد می‌شد^{۹۲} گزارش‌های کنسولی از سود سرشار فرش و پسته در کویت حکایت دارد. نویسنده گزارش اظهار امیدواری می‌کند تا واسطه ارتباط یک واردکننده بریتانیایی با تاجری ایرانی برای واردات فرش و پسته به انگلیس بشود.^{۹۳} بر اساس گزارش سالانه کنسولگری انگلیس در کرمان در سال ۱۹۰۶-۱۹۰۵/م. ۱۳۲۴-۱۳۲۳ق. مهم‌ترین کالاهای وارداتی از هند بریتانیا کالاهای ضروری و مصرفی نظیر قند، شکر، پارچه نخی، و چای جاوه بود که این چهار قلم کالا ۱۳/۳ درصد کالاهای وارداتی از هند، اما از نظر ارزش، ۵۸/۰۴ ارزش کل واردات از هند را به خود اختصاص داد. در مقابل آن مقدار صادرات کرمان به هند، ۲۴/۹۳ درصد از ارزش کل صادرات هند به کرمان بود و این به این معنی بود که تراز تجاری کرمان با هند ۷۵/۰۷- درصد بود. از میان ۸ رقم کالای صادراتی کرمان به هند، پارچه ابریشمی مشهد بیش از ۹۲ درصد ارزش این صادرات را به خود اختصاص داده بود و ۷ قلم کالای دیگر شامل زیره، بادام، پسته، روناس، تریاک، زعفران، و صمغ گیاهی ۸ درصد ارزش صادرات را تشکیل داده بود.^{۹۴} در گزارش سال ۱۹۰۷-۱۹۰۶/م. ۱۳۲۵-۱۳۲۴ق. کالاهای وارداتی به کرمان همان کالاهای ضروری و مصرفی از جمله قند، شکر، چای جاوه، رنگ نیلی، انواع پارچه چیت، پشمی، قرمز ترکی، و نخ اعلا بودند که ۲۲/۲۲ درصد صورت کالاها را تشکیل می‌دادند. اما از نظر ارزش ۸۸/۴۴ درصد ارزش کل کالاهای وارداتی از هند به کرمان

90. Landor, p. 442.

۹۱. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴»، ص ۳۶۵.

92. Landor, p 442.

۹۲. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰۴-۱۹۰۲»، ص ۳۳۵.

۹۴. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴»، ص ۳۶۷-۳۶۸.

بودند. بر اساس همین گزارش ارزش صادرات کرمان به هند ۱۶/۴۰ درصد ارزش واردات از هند است. در این گزارش تراز تجاری کرمان ۸۳/۶۰- درصد است. از ۹ قلم کالای صادراتی از کرمان به هند بریتانیا، دو قلم آن یعنی ابریشم مشهد و یزد و فرش کرمان بیش از ۸۶ درصد ارزش کل صادرات را به خود اختصاص داده بود.^{۹۵} در سال ۱۹۰۸-۱۹۰۷م/۱۳۲۶-۱۳۲۵ق.، میزان تراز تجاری کرمان کاهش پیدا کرد و به ۳۶- درصد رسید که حاکی از افزایش میزان صادرات کرمان به هند و اروپا بود و ارزش صادرات کرمان به ۶۴ درصد ارزش واردات از هند و بریتانیا به کرمان رسید. یکی از سنوات بسیار مهم و نقطه عطف در تجارت کرمان با هند و اروپا، سال تجاری ۱۹۰۹-۱۹۰۸م/۱۳۲۷-۱۳۲۶ق بود که بر اساس اسناد پارلمانی انگلستان صادرات کرمان به هند و اروپا بر واردات پیشی گرفت و تا سال ۱۹۱۴م/۱۳۳۳ق که این پژوهش ادامه می‌یابد این جایگاه را حفظ کرد. تراز تجاری کرمان که سال قبل از آن ۳۶- درصد بود در این سال به ۴۰ درصد رسید که تفاوت بسیار فاحشی بود. در همین سال میزان واردات از هند و بریتانیا ۳۵/۳ درصد کاهش داشت و میزان صادرات کرمان نسبت به سال قبل از آن بیش از ۴۰ درصد رشد داشت. آن چه که بیش از همه کالاها به رونق تجارت کرمان منجر شد فرش کرمان بود که بیش از ۹۷ درصد صادرات کرمان را تشکیل داده بود و نسبت به سال قبل از آن بیش از ۴۱ درصد رشد داشت.^{۹۶} در سال ۱۹۱۰-۱۹۰۹م/۱۳۲۸-۱۳۲۷ق. واردات از هند و بریتانیا به کرمان ۴۱ درصد نسبت به سال قبل از آن رشد داشت و از سوی دیگر صادرات کرمان به هند و بریتانیا نیز بیش از ۴۵ درصد رشد داشت و تراز تجاری کرمان تقریباً به همین میزان یعنی بیش از ۴۵ درصد بود. این سال بالاترین میزان صادرات کرمان به هند و اروپا بود.^{۹۷} بالاترین تراز تجاری کرمان نیز در سال تجاری ۱۹۱۳-۱۹۱۲م/۱۳۳۲-۱۳۳۱ق. بود که تراز تجاری کرمان بیش از ۵۳ درصد بود.^{۹۸} در زیر میزان صادرات و واردات کرمان با هند و اروپا با واحد لیره و تراز تجاری کرمان بر اساس اسناد پارلمانی انگلستان تنظیم شده است:^{۹۹}

95. *Diplomatic and Consular Reports Persia, Report for the Year 1906-07 on the Trade of the Kerman Consular District*, No 3839, annual series (London: Harrison and Sons, 1907), pp.7-8.

۹۶. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۵) کرمان ۱۹۱۲-۱۹۰۹م.»، ص ۳۶۰-۳۵۸.

۹۷. همان، ص ۳۷۵-۳۷۴.

۹۸. مریم کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۶) کرمان ۱۹۱۳-۱۹۱۲م.»، *مجله اسناد بهارستان*، دوره جدید، ش اول (بهار ۱۳۹۲)،

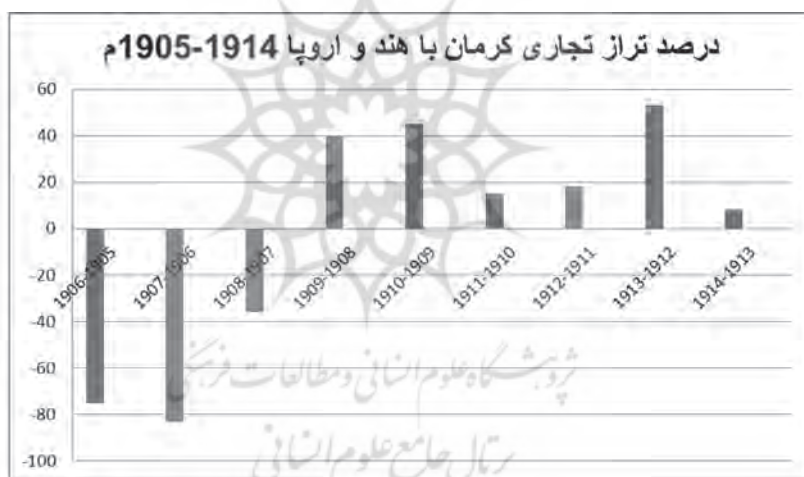
ص ۱۷۱-۱۶۶.

۹۹. بنگرید به: مریم کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۷-۲) ۱۹۱۴-۱۹۰۲م.»، *مجله اسناد بهارستان*، س اول، دوم و دوره جدید

(۱۳۹۲-۱۳۹۰).

جدول تجاری کرمان با هند و اروپا (بر اساس واحد لیره):

سنوات تجاری	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۳-۱۹۱۴
واردات از هند و اروپا	۱۴۰۲۶۳/۸۴	۱۵۴۳۵۰/۹۹	۸۶۴۱۳	۵۵۹۱۸	۹۴۶۷۹	۱۲۴۱۱۵	۱۲۱۴۸۰	۷۸۷۷۰	۱۴۵۷۹۰
صادرات کرمان به هند و اروپا	۳۴۹۷۳/۰۷	۲۵۳۲۰/۸۹	۵۵۳۴۹	۹۲۸۱۲	۱۷۰۹۰۵	۱۴۵۸۱۰	۱۴۸۷۳۰	۱۶۶۹۰۰	۱۵۹۵۸۲



کنسولگری‌ها در زمینه تجاری، فعالیت تجاری روس‌ها را به صورت دقیق رصد می‌کردند و یکی از مهمترین وظایف آن‌ها جمع‌آوری همین اطلاعات تجاری از رقبا بود. شاید علت اصلی آن ترکیب تجارت و سیاست در نظر روس‌ها بود. روس‌ها بعد از اعزام میسیون تجارتي انگلیس به کرمان، تلاش‌ها برای سامان دادن تجارت خود با این منطقه را افزایش دادند. بر اساس گزارش کارگزاری کرمان در سال ۱۳۱۹ق/۱۹۰۱م. قصد داشتند تجارتخانه‌ای در کرمان تأسیس کنند.^{۱۰۰} بر اساس

۱۰۰. اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۴، پوشه ۱۹، سند ۱۵۱، ۱۳۱۹ق.

گزارش کلنل استوارت^{۱۰۱} از کرمان، در سال ۱۹۰۵م./۱۳۲۳ق.، تاجران روس وارد کرمان شده و با تاجران کرمانی و زرتشتی‌ها قرارداد تجاری منعقد کردند و در سال ۱۹۰۶م./۱۳۲۴ق. نمایندگی‌های تجاری روسیه در کرمان، بم، و رفسنجان گشایش یافتند.^{۱۰۲} در سال ۱۹۰۸م./۱۳۲۶ق. ارزش واردات روسیه به کرمان کمی بیش از ۳ درصد ارزش واردات هند بریتانیا به کرمان بود که نشان از عقب ماندگی تجارت روسیه نسبت به انگلیس در این بخش از ایران داشت.^{۱۰۳} میزان واردات از روسیه به کرمان در سال تجاری ۱۹۱۰-۱۹۰۹م./۱۳۲۸-۱۳۲۷ق.، ۲۴/۷ درصد واردات از هند و بریتانیا بود که حاکی از توفیق روس‌ها در تجارت با کرمان بود که بیشترین توفیق تجاری روس‌ها در پر کردن خلا تجاری آن‌ها نسبت به انگلیس در کرمان بود.^{۱۰۴}

علیرغم برقراری مبادلات تجاری انگلیس با این منطقه، انگلیسی‌ها در پوشش بازرگانی به دنبال مصالح سیاسی و فرهنگی بودند. سودهایی که تجار هندی در سیستان و کرمان به دست می‌آوردند ایجاب نمی‌کرد که کنسول‌گری‌های انگلیس و دستگاه‌های جاسوسی آن دولت در مشرق ایران تأسیس شود، چه رسد به پولی که در آن جا خرج می‌شد. در نامه‌های محرمانه، آن‌ها مقصود از گشودن راه کویت و توسعه بازرگانی را بیشتر ناشی از جنبه سیاسی آن می‌دانستند.^{۱۰۵} البته در این زمینه باید خود کنسول‌ها را استثنا کرد که به منافع تجاری هم می‌اندیشیدند. سایکس که از ۱۸۹۴م./۱۳۱۲ق. تا ۱۹۰۱م./۱۳۱۹ق. کنسول کرمان بود^{۱۰۶} ظاهراً تاجر زبردستی هم بود، او در این دوره مال‌التجاره‌ای شامل چند تخته قالی و قالیچه نفیس و ممتاز که قبلاً به هندوستان فرستاده نشده بود، عدل بندی نموده مقداری ابریشم یزدی و زعفران و پارچه برک و پسته نیز تهیه و به کویت فرستاد و آن‌ها با قیمت بسیار مناسب به فروش رفت و سود خوبی عاید کنسول کرد به طوری که او در سال ۱۹۰۳م./۱۳۲۱ق. دومین قافله را هم از کرمان به کویت ارسال کرد و از برقراری روابط تجاری کویت با کرمان خشنود بود.^{۱۰۷}

101. Stewart

۱۰۲. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴م.»، ص ۳۶۶.

103. *Diplomatic and Consular Reports Persia, Report for the Year Ending March 20, 1908 on the Trade of the Kerman Consular District*, No 4087 annual series, (London: Harrison and Sons, 1908), p. 7.

۱۰۴. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۵) کرمان ۱۹۱۲-۱۹۰۹م.»، ص ۳۷۵.

۱۰۵. کاظم زاده، ص ۳۹۶-۳۹۵.

۱۰۶. رابینو، ص ۱۴۶.

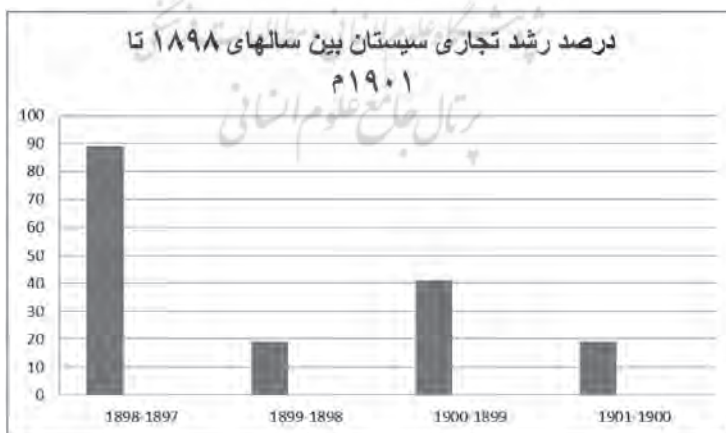
۱۰۷. سایکس، ص ۴۱۳.

تجارت سیستان

اگر چه سیستان تجارت قابل توجهی نداشت در آن جا هم رقابتی تجاری بین انگلیس و روسیه برقرار بود و مهمترین اجناس وارداتی از انگلیس و روسیه بود. هندی‌ها به عنوان تبعهٔ بریتانیا اجناس انگلیسی، هندی، و آلمانی را می‌فروختند و روس‌ها هم بیشتر در کار تجارت نوعی ماهوت بودند که در رنگ‌ها و انواع مختلف عرضه می‌کردند و قیمت نامناسبی هم داشت. در این منطقه انگلیسی‌ها به دنبال آن بودند تا از طریق هندی‌ها بتوانند با تولید این نوع از ماهوت بازار و تجارت آن را به خود اختصاص دهند و دست روس‌ها را کوتاه کنند.^{۱۰۸}

تأسیس کنسولگری سیستان در نصرت‌آباد تحولی در تجارت این منطقه با هند پدید آورد. تا قبل از تأسیس کنسولگری میزان تجارت سیستان با هند در سال ۱۸۹۶-۱۸۹۵م. ۱۳۱۳-۱۳۱۲ق. تقریباً صفر بود. در سال قبل از تأسیس کنسولگری ۱۸۹۷-۱۸۹۶م. ۱۳۱۴-۱۳۱۳ق.، این رقم به ۶۴/۰۰۰ روپیه رسیده بود. اما در سال منتهی به تأسیس کنسولگری سیستان یعنی در سال ۱۸۹۸-۱۸۹۷م. ۱۳۱۵-۱۳۱۴ق.، تجارت هند و سیستان چشم قابل ملاحظه‌ای داشت و با رسیدن به ۵۸۹/۹۳۹ روپیه رشد ۸۹ درصدی را نشان داد. طی سه سال بعدی هم رشد تجاری سیستان ادامه یافت و به رقم ۱/۵۳۴/۴۵۲ روپیه رسید. در جدول و نمودار زیر میزان تجارت سیستان بر اساس واحد روپیه و نیز رشد تجاری سیستان نشان داده شده است:^{۱۰۹}

۱۸۹۵-۱۸۹۶ م	۱۸۹۶-۱۸۹۷ م	۱۸۹۷-۱۸۹۸ م	۱۸۹۸-۱۸۹۹ م	۱۸۹۹-۱۹۰۰ م	۱۹۰۰-۱۹۰۱ م
-	۶۴/۰۰۰	۵۸۹/۹۳۹	۷۲۸/۰۸۲	۱/۲۳۵/۴۱۱	۱/۵۳۴/۴۵۲



108. Landor, p. 147.

109. Landor, p. 147.

سایر اهداف کنسولگری‌ها

بیرامون سایر کارکردهای کنسولگری‌ها، گزارش بسیار مهمی از کلنل لیوت سایکس کنسول بریتانیا در کرمان موجود است که یک دهه بعد از گشایش کنسولگری در آن شهر تهیه شده است. بر اساس گزارش او ظرف یک دهه بعد از تأسیس کنسولگری، تعداد خارجی‌ان در کرمان افزایش یافته و این شهر در زمره مراکز تحت نفوذ انگلیس در آمده بود. در این شهر از سال ۱۹۰۲م. / ۱۳۲۰ق، بیمارستانی تأسیس و یک پزشک زن در آن مشغول به کار شد و تجهیزات قابل توجهی نیز در اختیار او قرار داشت. این بیمارستان به آقایان و بانوان خدمات ارائه می‌داد و نقش مهمی در سلامت مردم منطقه داشت. در این گزارش نوید داده شده است که در سال ۱۹۰۴م. / ۱۳۲۲ق شعبه‌ای از بانک شاهنشاهی در کرمان تأسیس شود.^{۱۱۰} بانک شاهنشاهی در سال ۱۹۰۴م. / ۱۳۲۲ق. در کرمان تأسیس شد و در خدمت انگلیسی‌ها در آمد.^{۱۱۱} بر اساس گزارش سال ۱۹۰۷م. / ۱۳۲۵ق، کرمان شکل مستعمره کوچک اروپایی را داشت و بر خلاف دیگر مناطق ایران با اروپاییان به دشمنی رفتار نمی‌شد و تعصب چندانی نداشتند. تمام طبقات خوانین و بلندپایگان با اروپاییان روابط دوستانه داشتند. هنگامی که بیمارستان جامعه مبلغان مذهبی سعی کرد که حوزه فعالیت خود را گسترش دهد به علت نیاز اساسی در احداث آن، هم حکام کرمان و هم مردم منطقه از احداث آن استقبال کردند. حتی مردم ایالت از جاهای بسیار دور برای مشارکت در بنای آن روانه مرکز ایالت شدند.^{۱۱۲} نه تنها بیمارستان بلکه موسسات دیگری جهت تفریح و سرگرمی از قبیل باشگاه و انجمن ورزشی هم از سوی سایکس در کرمان تأسیس شد. در این انجمن خوانین محلی هم عضو شدند و به بازی‌های اروپایی و ورزش‌های ایرانی نظیر تیراندازی می‌پرداختند.^{۱۱۳} اگر چه این قبیل مؤسسات در توسعه ایالات نقش داشتند و دارای کارکردهای مثبت بودند، اما دولت‌های اروپایی ایجاد ادارات، منازل، مهمانخانه‌ها و باشگاه‌ها را برای اتباع خود تدارک می‌دیدند.^{۱۱۴}

توسل به مردم و تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها یکی از جنبه‌های مهم رقابت روس و انگلیس را تشکیل می‌داد. کنسول‌های دولت‌های رقیب با راه اندازی بازی‌های بومی و تمرینات نظامی، جنگ

۱۱۰. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰۴-۱۹۰۲م»، ص ۳۴۵-۳۴۴.

۱۱۱. کمالی، «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴م»، ص ۳۶۲.

112. *Diplomatic and Consular Reports Persia, Report for the Year 1906-07 on the Trade of the Kerman Consular District*, p. 5.

۱۱۳. سایکس، ص ۲۳۸.

۱۱۴. پالمر، ج ۲، ص ۱۰۹۳.

روانی راه می‌انداختند تا مردم محل را تحت تأثیر قرار دهند. در نمایش‌های ورزش همگانی، اهالی محل و نواحی اطراف حضور می‌یافتند و با چای و قلیان پذیرایی می‌شدند. در نمایش انگلیسی‌ها، از کنسولیبار روس و همراهانش نیز دعوت می‌شد. تا این که آن‌ها نیز دست به عمل متقابل زده و یکدسته میمون‌باز بومی و غیره راه‌انداختند. روس‌ها با فعالیت عناصر خود سعی کردند نمایش انگلیسی‌ها را تحت تأثیر قرار دهند که ظاهراً توفیقی به دست نیاوردند.^{۱۱۵}

یکی از وظایف یا اهداف کنسول‌ها و کنسولگری‌ها خدمات فرهنگی به کشور مبدأ بود. سایکس علاوه بر تجارت، از خرید عتیقه‌جات و نسخ خطی نیز دریغ نمی‌کرد. او در یزد دو نسخه تاریخ خطی به دست آورد^{۱۱۶} در کرمان هم مقداری اشیاء مفرغی از جمله کاسه، کوزه، آلتی شبیه به تبر، و چند عدد گوشواره، دست بند نقره، و چند دانه عقیق را خریداری و به موزه بریتانیا حمل کرد. در جیرفت مرهمی دانی مرمر را از طریق مبادله به چنگ آورد که به موزه بریتانیا ارائه داد و به او گفته شد بدون تردید ساخت یونان و مربوط به قرن چهارم قبل از میلاد است.^{۱۱۷} در همین زمینه فرهنگی شرایط برای مسافرت اتباع انگلیس به کرمان فراهم شد و آن‌ها حتی به تعلیم زبان انگلیسی به کرمانیان می‌پرداختند و علاوه بر آن دین مسیحیت را نیز تبلیغ می‌کردند:

راپورت / مسیو بلاکت از اهالی لندن در سنهٔ ماضیه به کرمان آمده در بیرون شهر در باغ نشاط متعلق به عدل السلطنه منزل نموده مشغول تعلیم درس زبان انگلیسی بوده. پنج شش نفر از اطفال اهل شهر رفته مشغول تحصیل زبان بودند. سه چهار ماه قبل از جانب علمای شهر به مرحوم امیرنظام اظهار کردند که بلاکت بعضی از جهال را اغوا نموده هفته [ای] یکی دو روز به باغ نشاط می‌روند. خودش بعضی مطالب را برای آن‌ها موعظه می‌نماید و دخترش نیز به اطوار مختلف نغماتی می‌سراید. اندک اندک بیاناتش مخالف با مذهب اسلام است. مرحوم امیر نظام قدغن فرمودند که کسی از اهالی شهر به باغ نشاط نرود. فی‌الجمله تخفیفی در تردد مردم شد ولی گاه‌گاهی پاره [ای] اشخاص به تماشا می‌رفتند. تا بعد از فوت مرحوم امیر نظام وضع خود را ترقی داده به این معنی چند جلد کتابی به اشخاصی که آن جا می‌روند داده و بعضی از آن‌ها را که فقیر و محتاج هستند در خفیه اندک تنخواهی داده است و روزهای یکشنبه که موعظه می‌نماید جمعی از مرد و زن آن جا می‌روند. حضرات علما و اهالی شهر به هیجان آمده که بلاکت در موعظه عباراتی می‌گوید که منافی آیات قرآنی و احادیث

۱۱۵. کاظم‌زاده، ص ۳۹۸.

۱۱۶. سایکس، ص ۴۱۴.

۱۱۷. همان، ص ۴۳۷-۴۳۶.

حضرت ختمی مآب علیه‌السلام است و یکی از کتاب‌هایی که بلاکت به اهل حوزه مجلس وعظ خود داده با یک رقعۀ ممهوره به مهر جنابان مستطاب امام جمعه و آقا باقر مجتهد و حاجی شیخ علی مجتهد برادر مرحوم حاجی ابوجعفر آقا و آقا میرزا حسین برادر امام جمعه برای چاکر فرستاده و مفهومی این است که این همه در السنه و افواه عوام الناس رفته رفته اشتهار و قوتی پیدا می‌کند و محتمل است که مورث فتنه بشود، حضرات آقایان علما را ملاقات کرده و ایشان را واداشته که مردم را ساکت نمایند. عین کتاب و پاکت آقایان را ارسال حضور مبارک نمود و برای ضعف و تفریق اصحاب موعظه بلاکت و اسکات ملت اقدامی که چاکر نمود این است که کلانتر و کدخدایان شهر را واداشته که طایفه اناثیه را کلا قدغن کردند که از دروازه شهر بیرون نروند و آن رجاله جهال که انسی به آمد و شد مجلس بلاکت دارند فوراً فوراً به واسطه اقارب و اقوام یا بلاواسطه بیاورند و نصیحت نمایند و هر یک که محتاج و پریشان هستند چیزی به آن‌ها بدهند و یا به شغل و کسب وادارند که تخفیفی در مجلس و حوزه بلاکت بشود تا هر طور رأی مبارک اقتضا فرماید تکلیف معین گردد. واجب بود جسارت به عرض نمود. ۲۱ شوال ۱۳۱۷،^{۱۱۸}

نتیجه‌گیری

انگلستان از ابتدای قرن نوزدهم برای ایجاد منطقه حائل و سد دفاعی هند رقابت شدیدی را با روسیه و دیگر رقبای اروپایی در انداخت و در چندین مرتبه مجبور به تغییر این سد دفاعی شد. این رویکرد محور سیاست انگلستان را در ایران تشکیل داده بود. از اواخر قرن نوزدهم که مرحله اساسی امپریالیسم در اروپا بود ایران نیز در مدار امپریالیسم روس، انگلیس، و آلمان واقع شد. در این برهه انگلستان بعد از رقابت سخت با روسیه در آسیای مرکزی و شرق ایران موضع دفاعی هند را در جنوب شرق ایران بر پا کرد. سایکس به عنوان یک نظامی انگلیسی در چارچوب این رقابت مأمور تأسیس کنسول‌گری‌های کرمان و سیستان در جنوب شرقی ایران شد، به همین جهت رویکرد انگلستان در این منطقه کاملاً نظامی بود. ۵۷ درصد کنسول‌ها و نمایندگان کنسولی انگلیس در منطقه شرق و جنوب شرق ایران را نظامیان تشکیل داده بودند و در فاصله سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۹۴ م. ۱۳۳۳/۱۳۱۲ ق. صد درصد کنسول‌ها و نمایندگان سیاسی انگلیس در کرمان و سیستان از نظامیان انگلیسی بودند. از نظر تجاری میزان تراز تجاری کرمان با هند و اروپا از ارقام بسیار پائین ۸۳/۶۰- درصد در سال ۱۹۰۷-۱۹۰۶ به بیش از ۵۳ درصد در سال ۱۹۱۳-۱۹۱۲ م. ۱۳۳۲/۱۳۳۱-۱۳۳۲/۱۳۳۱

۱۳۳۱ق. رسید. با گشایش کنسولگری سیستان در سال ۱۸۹۸م./۱۳۱۶ق. جهشی در تجارت این منطقه با هند پدید آمد و میزان رشد تجارت این ناحیه در سنوات بعدی ۱۹۰۱-۱۸۹۸م./۱۳۱۹-۱۳۱۶ق. نیز رشد محسوسی را نشان داد. تجارت روسیه نیز قابل رقابت با انگلستان و هند در این بخش از ایران نبود. نسبت تجارت روسیه با انگلیس در کرمان از شکافی ۹۷ درصدی به سود انگلستان حکایت داشت. روس‌ها در بهترین حالت توانستند این شکاف تجاری را تا میزان ۲۴/۷ درصد ارزش واردات انگلستان به کرمان کاهش دهند. در کنار این رویکرد انگلیسی‌ها به اهداف فرهنگی، شناخت مناطق مختلف و کشف استعدادهای این مناطق از جنبه نظامی، فراهم کردن امکانات برای اتباع خود از جمله بیمارستان، انجمن ورزشی و تفریحی نیز توجه داشتند.

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند. *ایران بین دو انقلاب*. مترجمان کاظم فیروزمند و حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- آدمیت، فریدون. *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. تهران: پیام، ۲۵۳۵.
- آشوری، داریوش. *دانشنامه سیاسی*. چ بیست و یکم، تهران: مروارید، ۱۳۹۱.
- آوری، پیترو. *تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض قاجاریه*، ج ۱. چ ۳. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: موسسه انتشارات عطائی، ۱۳۷۳.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان صنیع‌الدوله. *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- پراون، ادوارد گرانبیل. *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.
- برومند، صفورا. *سر کنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۲-۱۱۷۷*، ق. ۱، ۱۹۱۴-۱۷۶۳م. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
- _____ . «سر کنسولگری بریتانیا در بوشهر» نشریه تاریخ روابط خارجی. س اول. ش ۱. زمستان ۱۳۷۸. ۳۱-۴۸.
- _____ . کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس، «نشریه تاریخ روابط خارجی». سال سوم. ش ۱۰. بهار ۱۳۸۱، ۸۶-۷۵.
- پازارگاد، بهاء‌الدین. *مکتب‌های سیاسی*. چ ۳. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۳.
- پالمر، رابرت رُزول. *تاریخ جهان نو*. ج ۲. چ ۴. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- تلگرافچی فرنگی. «سفرنامه تلگرافچی فرنگی». معرف ایرج افشار. فرهنگ ایران زمین. شماره ۱۹. ۱۳۵۲. ص ۲۶۰-۱۸۳.
- رابینو، لویی. *دیپلمات‌ها و کنسول‌های انگلیس در ایران*. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: نشر تاریخ

ایران، ۱۳۶۳.

رونوون، پی.یر. *تاریخ روابط بین‌الملل در قرن نوزدهم*، ج ۲. ترجمه قاسم صنعوی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

ساعی، احمد. *نظریه‌های امپریالیسم*. تهران: قومس، ۱۳۷۶.

سالار بهزادی، عبدالرضا. *بلوچستان در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ ق*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴.

سایکس، سرپرسی مالزورث. *تاریخ ایران*، ج ۲. ج ۸. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۹.

_____ . *سفرنامه سایکس*. ج ۲. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.

به کوشش سعیدی سیرجانی، علی اکبر. *وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری*. تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۳.

سیاح، حمید. *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. ج ۲. تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۶. فوران، جان. *مقاومت شکننده*. ج ۶. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵. کاظم‌زاده، فیروز. *روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴)*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴.

کاووسی عراقی، محمد حسن. *فهرست اسناد مکمل قاجاریه*، جلد‌های ۳۸-۳۱. تهیه و تنظیم محمد حسن کاووسی عراقی. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت خارجه، ۱۳۸۲.

کرزن، جرج. *ن. ایران و قضیه ایران*. ج ۱، ج ۲. ج ۴. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

کمالی، مریم. «اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰۴-۱۹۰۲ م». *مجله اسناد بهارستان*. س ۱. ش ۲. تابستان ۱۳۹۰. ص ۳۳۳-۳۴۸.

_____ . «اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰۶-۱۹۰۴ م». *مجله اسناد بهارستان*. س ۱. ش ۳. پائیز ۱۳۹۰. ص ۳۵۹-۳۷۰.

_____ . «اسناد پارلمانی انگلستان (۵) کرمان ۱۹۱۲-۱۹۰۹ م». *مجله اسناد بهارستان*. س ۲. ش ۵. بهار ۱۳۹۱. ص ۳۵۳-۳۸۷.

_____ . «اسناد پارلمانی انگلستان (۶) کرمان ۱۹۱۳-۱۹۱۲ م». *مجله اسناد بهارستان*. دوره جدید. ش ۱. بهار ۱۳۹۲. ص ۱۵۹-۱۷۴.

_____ . «اسناد پارلمانی انگلستان (۷) کرمان ۱۹۱۴-۱۹۱۳ م». *مجله اسناد بهارستان*. دوره جدید. ش ۲. تابستان ۱۳۹۲. ص ۱۰۷-۱۳۲.

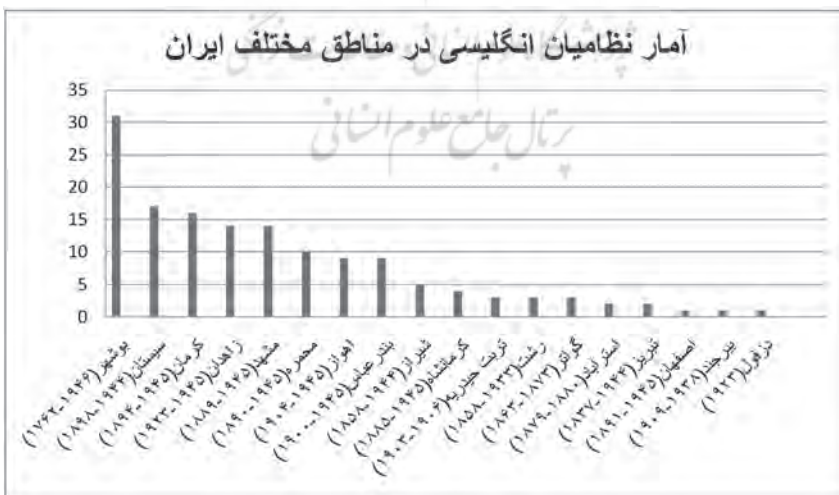
گریوز، رز. «روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان - بریتانیا ۱۹۲۱-۱۷۹۸ م». *تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار)*. ج ۲. به سرپرستی پیتر آوری. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی، ۱۳۸۸. ص ۴۳۰-۳۶۶.

- _____ . «موقعیت سیستان در خط مشی بریتانیا در برابر مرزهای هندوستان.» ترجمه معصومه ارباب. مجله تاریخ روابط خارجی. س. ۲. ش ۵ و ۶ زمستان ۱۳۷۹ و بهار ۱۳۸۰. ص ۶۸-۳۹.
- لنزوسکی، جورج. رقابت روسیه و غرب در ایران. چ ۲. ترجمه اسماعیل رائین. تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶.
- محمود، محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۱. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۱.
- میرزا رضا مهندس. سفرنامه. به کوشش مجید نیک‌پور. کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۶.
- وزیری کرمانی، احمدعلی خان. تاریخ کرمان (سالاریه). ج ۲. چ ۳. تصحیح باستانی پاریزی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۴.
- هابسام، اریک. صنعت و امپراتوری. مترجم عبدالله کوثری. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۷.
- _____ . عصر امپراتوری ۱۹۱۴-۱۸۷۵. چ ۳ (اول ناشر). ترجمه ناهید فروغان. تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۲.
- هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه‌الصفای ناصری. ج ۹ بخش دوم. چ ۲. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- همت کرمانی، محمود. تاریخ مفصل کرمان. چ ۷. تهران: انتشارات گلی، ۱۳۸۹.
- یاب، م. ا. «دو مورخ انگلیسی تاریخ‌نگاری ایران.» تاریخ‌نگاری در ایران. چ ۲. ترجمه و تالیف یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، ۱۳۸۸. ص ۲۳۳-۲۱۵.
- Chirol, Sir V. *The Middle Eastern Question or Some Political Problems of Indian Defense*. London: J. Murray, 1903.
- Floyer, Ernest Ayscoghe. *Unexplored Baluchistan, Mekran, Bashkurd, PERSIA, Kurdistan, and Turkey*. London: Griffith & Farran, 1882.
- Kinneir, John MacDonald. *Geographical Memoir of the Persian Empire*. London: Cox and Baylis, 1813.
- Landor, Arnold Henry Savage. *Across Coveted Lands, or a Journey from Flushing to Calcutta Overland*. 2 Vols. New York: Charles Scribner Sons, 1903.
- Diplomatic and Consular Reports Persia. Report for the Year 1906-07 on the Trade of the Kerman Consular District*. No 3839 annual series. London: Harrison and Sons, 1907.
- Diplomatic and Consular Reports Persia. Report for the Year Ending March 20 1908 on the Trade of the Kerman Consular District*. No 4087 annual series. London: Harrison and Sons, 1908.

نمودار شماره (۱)



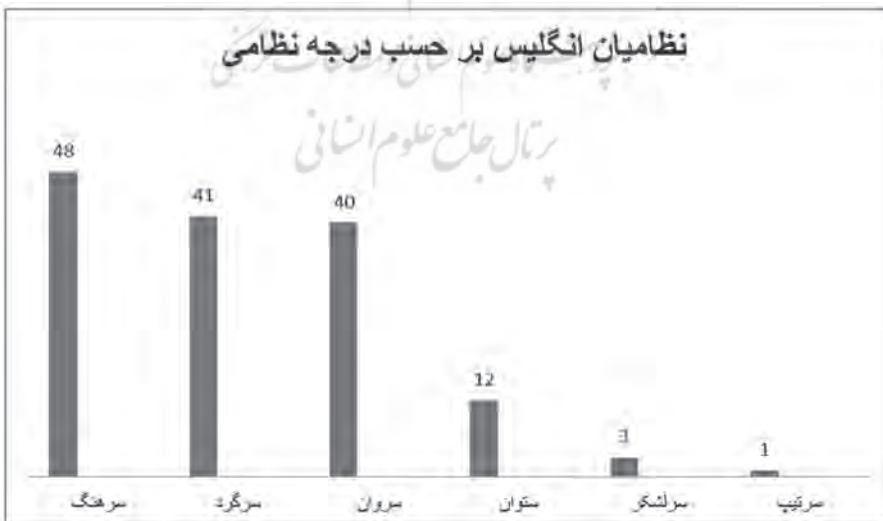
نمودار شماره (۲)



نمودار شماره (۳)



نمودار شماره (۴)



در هر یک سوره ای که می خواند است که تفریح از روزی است که در آن است
 آنکه در اوقات بطرف چاه یا در راه تفریح در آنجا بهار و زمین بهار
 کرده و در روزی دیگر روانه شهر شمره بغداد می شود

سینه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه کارکنان
۱۹۴۵
روز ۶
مهر ۱۱

در روز ۶ مهر ۱۳۳۳
بازار وید و کاروانسرای تبرک
همه کتابهای حق نشسته و بعضی کتب
در همه نقاط و کفایت را
کتابخانه را حفظ و نگاه
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دارت کادگان
۳۰۶۴
مردم ۲
مردم ۱۷

خالد باطنی هرگز در دل و سر قوت اولی که بیست و دو سال
و در اظهار آتش سحر انجمن که که سخن دارند تمام فانی
در کربان ناز نماند چاکر هم جواب دارم اگر انجمن خالد را
دارند باید لو رازت فارم (طهر) بدیم و کتب کفوف را عازن
حاضر آمد بزرگوار است خالد هم سر دم مرتب را از طهر
میدوم هر طور معرود و همین که بنام در...
میدانند اعداات که در همه لغز بشکرت لودنا...
میدانند اعداات که در همه لغز بشکرت لودنا...
میدانند اعداات که در همه لغز بشکرت لودنا...





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی